

Murder Judgement Due to Mistake in Person on the Jurisprudence, Islamic Penal Law and Common Law

Amiri. Milad^{1*}- Yaqouti. Ebrahim²- Masoudi. Asadollah³- Ommi. Ahmad⁴

1: PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran: Correspondence author (milad.amiri.m@gmail.com)

2: Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Unit, Tehran, Iran - Supreme Court Judge.

4: Assistant Professor, Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract According to the theory of transferred malice in common law, in cases of mistake in person, the criminal intent is transferred from the failed intended purpose to the finished unintended purpose and the committed crime, without regarding the predictive ability of the unwanted victim is intentional. In this way, the committed crime against the real victim is considered as the crime of the intended purpose and has the same sentence. Because, the intention is transferred from a definite purpose to an indefinite or accidental purpose as a face of malice; without the mental presupposition of universality. Therefore, the perpetrator is exposed to two intentional charges of starting to kill the intended person and intentional murder of the unintentional person with a primitive intent of killing man. But, according to prominent Shiite jurists and jurisprudential rule such as ((We intend not to do and we do not intend)), the murder sentence resulted from a mistake in person is unintentional. Also, the sentence of this type of murder in case of intent to kill a certain respectable person on the Islamic Penal Code of Iran approved in 1392, citing Articles 144, paragraph (a) of Article 290 and paragraph (c) of Article 292 and paragraph (c) of Article 291, except in the case of rule of the footnote of Article 292, it is considered as unintentional. As a result, citing some jurists the theory of transferred malice or paragraph (d) of Article 290 of the Islamic Penal Code or even the title ((similar crime)) in the paragraphs of Article 290, with the motive of protecting human beings to make this type of murder intentional, is not acceptable.

Keywords: Malice, transferred malice, intent, crime, jurisprudence, mistake in person.

- M. Amiri; E. Yaqouti; A. Masoudi; A. Ommi (2024). Murder Judgement Due to Mistake in Person on the Jurisprudence, Islamic Penal Law and Common Law, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(34), 109-138.

[Doi: 10.22075/feqh.2022.27522.3303](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27522.3303)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۶ - شماره ۳۴ - بهار ۱۴۰۳

صفحات ۱۰۹-۱۳۸ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۸/۱۹ - پذیرش ۱۴۰۱/۰۸/۲۲

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص

در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاً

میلاد امیری^۱ / ابراهیم یاقوتی^۲ / اسدالله مسعودی مقام^۳ / احمد امی^۴

۱: دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

milad.amiri.m@gmail.com

۲: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳: استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴: استادیار گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده: مطابق با نظریه سوء نیت انتقال یافته در نظام حقوقی کامن لاً، در موارد اشتباه در شخص، قصد مجرمانه از هدف مقصود نافرجام، به هدف نامقصود فرجام یافته منتقل شده و جنایت واقع شده، عمدی محسوب می شود؛ بدین نحو که جنایت واقع شده بر قربانی واقعی، نظیر جنایت مخاطب مورد نظر محسوب شده و واجد حکم یکسان تلقی می گردد. با این استدلال که قصد به عنوان چهره ای از سوء نیت، از یک غرض معین به غرض نامعین تصادفی تسری می یابد؛ لذا مرتکب با یک قصد بدوی قتل انسان، در معرض دو اتهام، یکی عمدی شروع به قتل شخص مقصود و دیگری قتل عمد شخص نامقصود قرار می گیرد، اما حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص بر اساس قول مشهور فقهای شیعه و قاعده فقهی «ما قصد لم يقع و ما وقع لم بقصد»، قتل خطائی و غیر عمد محسوب می شود. همچنین حکم این نوع قتل در فرض قصد قتل انسان معصوم اللدم معین در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به استناد ماده ۱۴۴، بند الف ماده ۲۹۰، بند پ ماده ۲۹۲ و بند پ ماده ۲۹۱ (به دلیل وجود عدوان)، جزء در صورت حاکمیت تبصره ماده ۲۹۲، شبه عمد محسوب می گردد. در هر حال، استناد برخی از حقوقدانان به نظریه فوق الذکر و یا بندت ماده ۲۹۰ و یا عنوان جنایت نظیر مقرر در بند های ماده ۲۹۰ با انگیزه حمایت از انسان بما هو انسان، جهت عمدی محسوب شدن قتل ماهیتاً خطائی قابل پذیرش نیست. این پژوهش به شیوه تحلیلی توصیفی به موضوع پرداخته است.

کلیدواژه: سوء نیت، سوء نیت انتقالی، قصد، جنایت، عمد، اشتباه در شخص

– امیری، میلاد؛ یاقوتی، ابراهیم؛ مسعودی مقام، اسدالله؛ امی، احمد (۱۴۰۳). حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاً. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۴، صفحات ۱۰۹-۱۳۸.

[Doi: 10.22075/feqh.2022.27522.3303](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27522.3303)

مقدمه

اشتباه در «هدف»^۱ یا «شخص»^۲ در جنایات، در مواردی مطرح می‌گردد که مرتکب، قصد ابتدائی ارتکاب رفتار - اعم از مشروع یا نامشروع - بر موضوع معینی - اعم از فرد یا شیء یا حیوان معین - را داشته، لکن رفتار او بر فرد نامعین وارد آید؛ اعم از این که اصابت رفتار مرتکب با فرد نامعین، بر فرد یا موضوع معین نیز برخورد نماید، یا عنوان مثال، تیری را به قصد صدمه یا آسیب به انسان یا شیء یا حیوان معین رها سازد، لکن به دلیل خطای ذهنی محاسباتی در رفتار، تیر او به انسان یا شیء یا حیوان دیگری برخورد نماید، یا علاوه بر اصابت تیر به موضوع معین، به انسان نامعین دیگری نیز التقاء یابد. در مقوله اشتباه در هدف، می‌بایست قصد مرتکب در بدو امر به صورت جزئی هدفدار باشد. با این حال، مناقشه اساسی این است که جنایت ناشی از اشتباه در شخص آیا عمدی است یا غیر عمدی؟ در نظام حقوقی کامن لاء طبق نظریه سوء نیت انتقال یافته، چون مرتکب، قصد قتل انسانی را داشته و در نتیجه، از رفتار وی انسانی نیز کشته شده است با انتقال قصد از هدف مقصود به هدف مورد اصابت، جنایت ارتكابی عمدی محسوب می‌شود. اما در فقه اسلامی اختلاف نظر بسیار است به نحوی که برخی از فقها جنایت ناشی از اشتباه در شخص را به مانند نظام حقوقی کامن لاء، عمدی دانسته و برخی از فقها که در اکثریت می‌باشند جنایت واقع شده را به دلیل عدم تعلق قصد، غیر عمدی می‌دانند. قانونگذار ایران نیز در این زمینه، رویه واحدی را اتخاذ ننموده است؛ بدین گونه که قبل از انقلاب اسلامی در رویه قضایی ایران، جنایت ناشی از اشتباه در شخص عمدی تلقی می‌شد، اما پس از انقلاب اسلامی با تأسی از نظر مشهور فقهای امامیه، جنایت مذکور با تأکید بر عنصر روانی، علی‌الاصول غیر عمدی بوده است؛ لذا می‌توان اذعان داشت منشأ اختلاف، به تردید در وجود قصد شخص معین به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده جنایات عمدی، بازگشت دارد (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۷۶).

1. Mistake in purpose
2. Mistake in person

از نوآوری های خاص این مقاله آن است که ضمن بررسی تطبیقی حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در کامن لا و فقه و حقوق کیفری ایران، به بیان و نقد مختصر دیدگاه هایی می پردازد که قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ را منشأ ظهور این نظریه در حقوق ایران دانسته یا خواسته و ناخواسته، دیدگاهی را مطرح نموده اند که با مبنای این نظریه یا طرفداران این دکتترین در کامن لا همسو بوده است؛ به نحوی که اولاً، برخلاف ادعای برخی از حقوقدانان، موضوع قتل یا جنایت، انسان کلی (بماهو انسان) نمی باشد؛ بلکه موضوع، حسب مورد با توجه به هدف جانی می تواند کلی (مطلق انسان) یا جزئی (انسان مقید) باشد؛ ثانیاً، عمدی تلقی شدن جنایت ناشی از اشتباه در شخص در حقوق ایران وفق تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا، به دلیل انتقال قصد از هدف مقصود به هدف نامقصود یا قصد بدوی جنایت بر یک انسان محترم (محقون الدم) نبوده، بلکه علم یا سوء نیت غیر مستقیم مرتکب به رفتار نوعاً کشنده ای بوده که اراده نموده است؛ ثالثاً، استناد به بند ت ماده ۲۹۰ یا عنوان جنایت نظیر مقرر در بند های ماده ۲۹۰ جهت عمدی شناختن قتل ناشی از اشتباه در شخص یا اختصاص بند پ ماده ۲۹۲ به اشتباه در هدف فی مابین غیر انسان و انسان یا انسان غیر محترم (مهدور الدم) و انسان محترم و خروج موضوعی دو انسان محترم، با استدلال های مصرح در این مقاله قابل پذیرش نیست. با وجود این، باید به این نکته نیز توجه داشت که تشخیص ناصواب از نوع قتل ناشی از اشتباه در شخص نه تنها در حقوق کیفری، بلکه می تواند در حقوق مدنی قاتل از جمله حقوق ارثیه وی براساس ماده ۸۸۰ قانون مدنی تأثیر گذارد، زیرا از مفهوم مخالف این ماده بر می آید که قانونگذار، قاتل غیر عمدی را ممنوع از ارث نمی داند (مسجد سرایی، ۱۳۹۲: ۱۵۴)^۱ در هر حال، از آنجا که منبع اساسی قانون

۱. در قانون مدنی و دیگر قوانین اسلامی، در قتل خطای محض و شبه عمد چنین ممنوعیتی (مقرر در ماده ۸۸۰ ق.م.) برای وارثی که مرتکب قتل مورث خود شده باشد پیش بینی نشده است (نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۱۲۴۹ مورخ ۱۳۷۶/۳/۳۱).

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۱۳

مدنی، فتاوی مشهور فقهای امامیه است باید قائل به ممنوعیت قاتل خطائی از دیه مقتول گردید (همان، ۱۵۵).^۱ به نظر نگارندگان، هماهنگی با دیدگاه مذکور، قاتل در قتل ناشی از اشتباه در شخص، در صورتی که مقتول، مورث قاتل باشد از ماترک او جز دیه قتل ارث خواهد برد. اما اگر با دیدگاه پیروان عمدی بودن قتل ناشی از اشتباه در شخص، همسو شویم قاعدتاً قاتل، از مقتول در صورتی که مورث وی تلقی گردد، ارث نخواهد برد. مثلاً (الف) قصد قتل (ب و معصوم الدم) که داماد شان بوده است را دارد؛ لکن به دلیل خطای در اصابت، (ج و معصوم الدم) که پدرش بوده است را به قتل می رساند. طبعاً محروم نمودن شخص الف (و ورث او) از ماترک شخص ج به دلیل اشتباه ولو با قصد بدوی سرزنش آمیز، با انصاف سازگار نیست.

۱- حکم اشتباه در شخص در فقه اسلامی

از منظر فقه امامیه، جنایات به عمد، شبه عمد و خطای محض تقسیم می شود. ضابطه این تقسیم، قصد و خواست مجرمانه است. در این که قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه چه حکمی دارد، میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد. در این خصوص به دو دیدگاه اشاره می شود: دیدگاه اول منتسب به فقهای است که جنایت ناشی از اشتباه در شخص را غیر عمدی و خطای محض می دانند (اراکی، ۱۳۷۳: ۲۳۹). از نظر برخی از فقها، خطای محض آن است که مرتکب در فعل و نتیجه دچار اشتباه شود؛ مثل این که کاری را انجام دهد که اساساً قصد اصابت به مقتول را نداشته باشد. برای مثال، قصد اصابت به صید یا هدف خاص یا دشمن یا غیر آن را داشته باشد و به مجنی علیه اصابت کرده و او را بکشد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۵۶/۴). یا دیگر دانشمندان اسلامی که اشتباه در نشانه گیری را بالإطلاق خطای محض دانسته و چنین تعبیر می نمایند که اگر کسی به سوی انسانی، تیری پرتاب کند و به انسان دیگری برخورد کند، خطای محض است و علت آن است که تیر انداز، قصد قتل شخص اخیر را نداشته

۱. اکثر قریب به اتفاق فقهای امامیه معتقدند که قاتل خطائی، فقط از دیه ای که ناشی از قتل پرداخت می شود ارث نمی برد و از بقیه ماترک بهره مند می شود؛ این نظریه، نظر مشهور فقهای امامیه است (مسجد سرائی، ۱۳۹۲: ۱۵۱).

است (حسینی عاملی، بی تا: ۲۶۶/۱۰). بنا به تصریح شهید اول در لعمه دمشقیه، جنایت خطای محض مانند آن که فردی تیری را به سمت حیوان و یا انسانی مشخص پرتاب کند و آن تیر به انسانی دیگر برخورد کند (شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۵۷) با این مبنا که «مَرَجِعُهُ إِلَى عَدَمِ قَصْدِ الْإِنْسَانِ أَوْ الشَّخْصِ»؛ بدین معنا که قاتل قصد کشتن انسان یا قصد کشتن مقتول را نداشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۰۶/۱۰) مانند این که تیری را به سوی حسن بیندازد و به تقی بخورد. در بخشی دیگر، شهید اول مطرح می کند؛ اگر کسی قصد نداشته باشد خود را از بلندی بیندازد، اما به ناچار از مکانی بلند بر روی فردی بیفتد و او را بکشد؛ و یا قصد داشته باشد خود را بر روی فردی بیاندازد اما به اشتباه بر روی دیگری بیفتد و او را بکشد دیه مقتول را باید عاقله کسی که افتاده بدهد (شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۵۸)، زیرا طبق نظر شهید ثانی، او قصد ارتکاب فعل خاصی که متعلق به مجنی علیه است را نداشته است، اگرچه قصد کار دیگری داشته است (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۲۰/۱۰). نظر شیخ مفید نیز در المقنعه، با شهیدین همسو است (مفید، ۱۴۱۰: ۷۳۴). مرحوم خوئی در مسأله ۲۲۶ مبانی تکمله المنهاج می گویند کسی که شخصی را بکشد، بدون این که قصد کشتنش را داشته باشد یا بدون این که قصد کاری را داشته باشد که به طور معمول، باعث قتل می شود، مانند کسی که تیری به سوی هدفی پرتاب کند و به انسانی اصابت کند و ... دیه ثابت است و قصاص ثابت نمی شود (خوئی، ۱۴۲۲: ۲۰۲/۴۲) و یا نظر ایشان در مسأله ۲۴۴ که می نویسند اگر قصد داشته باشد که روی شخصی بیفتد، ولی به خطاء، روی مقتول افتاده باشد، دیه بر ذمه عاقله خواهد بود (همان: ۲۱۳). عبارت اخیر ایشان به خوبی نشان دهنده آن است که «هدف» در مسأله ۲۲۶ می تواند انسان یا غیر انسان باشد؛ لذا دیدگاه برخی از حقوقدانان مبنی بر این که طبق مسأله ۲۲۶، هدف غیر از انسان از قبیل حیوان می باشد (دلیر، ۱۳۷۱: ۱۱۴) به وضوح قابل پذیرش نیست. یکی دیگر از فقها نوشته اند کسی که قصد قتل انسان خاصی را دارد و تیر به انسان دیگری اصابت می کند، قتل موضوعاً

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۱۵

خطای محض است هر چند حکم شبه عمد را دارد (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۳: ۱۰۶/۱). یکی از فقها نیز در پاسخ به سؤال یکی از حقوقدانان در خصوص اشتباه در شخص اینگونه پاسخ داده اند که هر چند قتل واقع شده، شبهه قتل خطائی است ولی ظاهراً مشمول ادله اثبات دیه بر عاقله نیست؛ چون اجمالاً قصد قتل محرم را داشته است (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۵۳۷). آیه الله گلپایگانی نیز در پاسخ به این سؤال که اگر شخصی با کارد به شخصی حمله می کند که مهدور الدم نبوده است ولی تصادفاً کارد به دیگری اصابت کرده و شخص مورد اصابت به قتل برسد آیا قتل از مصادیق عمد و مورد قصاص می باشد یا خیر؟ می نویسند: مورد سؤال از موارد قتل خطائی است و دیه آن بر عاقله می باشد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۵۳۷)؛^۱ مضافاً اشاره به نظر یکی از فقهای حنفی در این خصوص خالی از فایده نیست. از نظر ایشان، اگر کسی به طرف دیگری تیر اندازی کند و پس از اصابت، تیر از بدن او خارج شده و دیگری را بکشد جنایت اولی عمد و دومی خطای محض خواهد بود (مودود حنفی، ۱۹۸۰: ۲۹/۵).

دیدگاه دوم، منتسب به فقهای است که جنایت ناشی از اشتباه در هدف را فقط در صورتی که هدف مقصود و هدف نامقصود، هر دو انسان و محقون الدم باشند، عمدی می دانند. یکی از فقها می گوید اگر قاتل کسی را مورد هدف قرار دهد و تیر به دیگری اصابت کند و هر دو محقون الدم باشند، قتل عمدی محسوب می شود (آل کاشف الغطاء، ۱۴۰۲: ۱۴۴). برخی دیگر بر این دیدگاه هستند که اگر کسی به انسان معینی تیر اندازی کرده و تیرش به انسان دیگری بخورد، خطای محض است در فرضی

۱. آیه الله سید موسی شبیری زنجانی در پاسخ به پرسش نویسندگان به شماره ۹۸۶۲۴- مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱ اینگونه پاسخ داده اند. سؤال: شخصی قصد کشتن ب (محقون الدم) را دارد لکن به دلیل اشتباه در هدف، تیر او به ج اصابت و او را به قتل می رساند. پرسش اول: حکم قتل واقع شده چیست؟ پرسش دوم: در صورت علم قاتل به کشته شدن ج بدون قصد قتل وی، آیا حکم مسأله تغییر می کند؟ پاسخ پرسش اول: حکم قتل، خطائی است. پاسخ پرسش دوم: اگر می دانسته که علیرغم قصد نکردن قتل ج، تیر به او خواهد خورد و کشته خواهد شد، قتل عمدی است. همچنین پاسخ آیه الله مکارم شیرازی به سؤال مشابه نویسندگان از ایشان مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱: پاسخ سؤال ۱: قتل شبه عمد است؛ پاسخ سؤال ۲: تفاوتی نمی کند و قتل شبه عمد است.

که فرد اول، مهدور الدم باشد و گرنه، اگر فرد اول محقون الدم باشد و تیر به محقون الدم دیگری اصابت نماید، قتل صورت گرفته یقیناً عمد است (معرفت، ۱۳۶۵: ۳۷). بدین ترتیب به موجب نظریه مذکور، اگر جانی غذای مسمومی را نزد زید نهد و زید آن را به فرزند خویش داده و موجب مرگ گردد، ظاهراً قصاص ثابت است، زیرا تقدیم کننده طعام به زید، قاتل است و زید که واسطه مختار تلقی می گردد به سبب جهل نسبت به مسموم بودن طعام، عمل او قاطع رابطه انتساب جنایت به فعل تقدیم کننده طعام نمی باشد؛ لذا بعد از صدق قاتل عمد بر جانی، عدم قصد او در وقوع چنین جنایتی اهمیتی ندارد (حسینی شیرازی، بی تا: ۳۶). اشاره به استفتائی که از امام خمینی (ره) به عمل آمده در این زمینه مفید است؛ ایشان گفته اند که اگر شخصی، قصد قتل نفس محقون الدم را داشته و تیر به نفس محقون الدم دیگری اصابت کرده و او را کشته باشد حکم قتل عمد مترتب است، اگرچه احوط آن است که اولیای دم به دیه مصالحه نمایند.^۱ همچنین ایشان در تحریر الوسیله می گویند: «الخطاء المحض المعبر عنه بالخطاء الذی لا شبهه فیه هو أن لا یقصد الفعل ولا القتل کمن رمی صیداً أو ألقى حجراً فأصاب إنساناً فقتله و منه ما لو رمی إنساناً مهدور الدم فأصاب إنساناً آخر فقتله» (خمینی، ۱۳۸۷: ۷۳۱/۴). از نظر امام خمینی (ره)، تیراندازی به سوی انسان مهدور الدم و اصابت به انسان دیگر و قتل وی، مصداق خطای محض است؛ بنابراین دیدگاه ایشان با گروه دوم، تطابق بیشتری دارد.

۲- حکم اشتباه در شخص در نظام حقوقی ایران

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و اصلاحات بعدی، در خصوص اشتباه در هدف، نص قانونی تخصیص نیافته بود و رویه قضایی ایران در خصوص اشتباه در شخص، از

۱. ر.ک: مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی (ره)، گروه استفتاء، کد سؤال ۱۷۶۵.

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۱۷

رویه قضایی فرانسه تبعیت می کرد.^۱ اشتباه در شخص یا عمل، در رویه قضایی فرانسه به نحوی تبیین شده است که این نوع اشتباه، نمی تواند از عمل ارتكابی، عنوان قتل عمدی را سلب کند (علی آبادی، ۱۳۹۲: ۶۷/۱)؛ بنابراین، حکم اشتباه در شخص، در حقوق فرانسه به مانند نظام حقوقی کامن لاء یکسان بوده است. در این خصوص به پرونده یک دانشجوی روسی که در پاریس تحصیل می کرد استناد می شد. وی با تهیه اسلحه در صدد برآمد که استادش را هدف گلوله قرار دهد. به هنگام تیراندازی دچار اضطراب و دستپاچگی شد و به جای آن که استاد را هدف قرار دهد دوست خود را هدف قرار داد و به زندگی وی خاتمه داد. دادگاه فرانسه قتل را عمدی تلقی نمود (محسنی، ۱۳۹۳: ۲/۲۳۴). ژان پرادل در کتاب خود تحت عنوان بخش عمومی حقوق جزا با استناد به رأی دادگاه عالی فرانسه، اذعان می دارد از سال ۱۹۲۲ میلادی، اشتباه در شخص، رسماً در فرانسه عمدی تلقی شده است (Pradel, 2004: 439)؛ با این حال، یکی از اساتید فرانسوی به نام وابر^۲ معتقد بود که عمل ارتكابی، شروع به قتل عمدی نسبت به استاد (قربانی مورد نظر) و قتل غیر عمد دوست خودش (قربانی غیر مورد نظر) خواهد بود، زیرا مجرم به هیچ وجه قصد قتل وی را نداشته است و این قتل به علت عدم سوء نیت خاص، غیر عمدی است.

بعد از انقلاب اسلامی، اولین مقررّه ای که به مقوله اشتباه در شخص پرداخت، بند الف ماده ۲ قانون دیات مصوب ۱۳۶۱/۹/۲۴ بود. طبق این بند؛ قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آن که تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید. با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، قانونگذار مجدداً بند الف مذکور را عیناً در بند الف ماده ۲۹۵ تکرار نمود، با این تفاوت که علاوه بر فرض مذکور، به فرض دیگری از اشتباه در

۱. رأی شماره ۱۸۰۷ مورخ ۱۳۱۶/۸/۱۵ - شماره ۱۸۰۰ مورخ ۱۳۱۶/۸/۱۵ - شماره ۱۴۴۱ مورخ ۱۳۱۷/۶/۳۰ - شماره ۱۷۰۷ مورخ ۱۳۳۶/۸/۱۵ دیوان عالی کشور.

هدف به شکل تجانس انسانی در ماده ۲۹۶ اشاره کرد: «در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض می شود.»

بوهلندر، یکی از حقوق‌دانان انگلیسی که در اثر خود تحت عنوان سوء نیت انتقال یافته، نگاهی به حقوق ایران در مقوله اشتباه در شخص داشته است با تتبع در قانون مجازات اسلامی (۷۰) در خصوص ماده ۲۹۶ ق.م.ا می نویسد: این ماده خلاف اصول انصاف و عدالت است، زیرا به فردی که قصد کشتن قربانی بی گناهی، بدون دلیل قانونی داشته و در عوض، فرد بی گناه دیگری را به قتل رسانده، اجازه داده می شود بدون مجازات راه برود و فقط خویشاوندان او مسئول پرداخت غرامت باشند (Bohlender, 2010: 614). صرف نظر از ایراد استدلال مذکور به دلیل تمرکز بر نتیجه مجرمانه بدون امعان نظر به واقعیات ذهنی مرتکب، به نظر با وجود بند الف ماده ۲۹۵ و بند الف ماده ۲۰۶، پیش بینی ماده ۲۹۶ ضروری نبوده است؛ زیرا علاوه بر این که مفهوم مخالف بند الف ماده ۲۰۶ ایراد جنایت بر فرد نامعین را از شمول جنایت عمدی خارج می نماید، قاعده و تمثیل قانونگذار در بند الف ماده ۲۹۵ نسبت به ماده ۲۹۶ نیز تسری داشته و این دو ماده طبق قاعده، هم اشتباه در اصابت با فرض عدم تجانس انسانی - بدین شکل که مقصود مبادرت کننده، غیر انسان و حاصل (غیر مقصود)، انسان بوده است - و هم اشتباه در اصابت با فرض تجانس انسانی - بدین نحو که مقصود اقدام کننده، انسان (اعم از معصوم الدم یا مهدور الدم) و حاصل (غیر مقصود) نیز انسان (معصوم الدم) - را در بر داشته‌اند. عده ای نیز به درستی بر این نظر بودند که ماده ۲۹۶ در رابطه با مهدور الدم یا محقون الدم بودن هدف نخستین، مطلق تنظیم شده و تا زمانی که شواهد عینی که دال بر خلاف این امر نباشد بایستی به ظاهر ماده و اطلاق حکم مذکور در آن عمل نمود؛ چون اصالت ظهور، دلالت بر معنای عام و مطلق دارد (مسعودی، ۱۳۷۸: ۸۸). نهایتاً قانونگذار با تصویب قانون مجازات اسلامی

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۱۹

۱۳۹۲ به اصلاح این امر مبادرت و مقوله اشتباه در هدف را در بند پ ماده ۲۹۲ این قانون به شیوه بند الف ماده ۲ قانون دیات ۱۳۶۱ و بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تقنین و تکرار می نماید: «جنایتی که در آن، مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آن که تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.» برخی از حقوقدانان این بند را تکرار حکم ماده ۲۹۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ دانسته اند (جنت مکان، ۱۳۹۷: ۱۵۹/۲). به عبارتی، بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا بیانگر همان مطلبی است که در ماده ۲۹۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ از طریق ذکر مثال تبیین شده بود (مالمیر و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۵)؛ البته برخی دیگر بر این اعتقادند که قانونگذار با حذف ماده ۲۹۶ ق.م.ا سابق و وضع بند «ت» ماده ۲۹۰ ق.م.ا کوشیده تا این پیام را برساند که اشتباه در هدف در جایی که هم هدف اولیه و هم هدف نهائی، محقون الدم باشند تأثیری در ماهیت قتل ارتكابی ندارد...؛ بنابراین، قتل ارتكابی عمدی تلقی می گردد (کلانتری و شیرزادی فر، ۱۳۹۳: ۹۶).

مع الوصف، برخی از حقوقدانان اشتباه در شخص را با عنوانی تحت «خطای در قربانی جنایت» مطرح نموده اند. از نظر ایشان، مراد از عنوان یاد شده این است که جانی به قصد ارتكاب جنایت علیه شخص یا اشخاص معینی، مرتکب رفتاری شود، اما رفتار ارتكابی، به جای شخص مورد نظر، علیه شخص دیگری واقع شده و صدمه ای به جسم و جان وی وارد سازد و یا این که رفتار ارتكابی علاوه بر شخص مورد نظر، علیه شخص دیگری نیز واقع شده و به جسم و جان وی آسیب رساند (پانچی، ۱۳۸۳: ۷۸). به تعبیر برخی دیگر، اشتباه در هدف یعنی ناکام ماندن جرمی که مقصود مرتکب بوده و در نتیجه، جرم دیگری به علت اشتباه مبادرت کننده، به وقوع پیوسته است؛ مانند کسی که قصد قتل شخص معینی را دارد ولی به هنگام تیر اندازی بنا به جهاتی از جمله عدم مهارت در هدف گیری، اشتباهاً شخص دیگری را هدف گلوله قرار می دهد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۹۲/۲). از نظر ایشان، به دلیل آن که قصد اولیه مرتکب، نامشروع بوده و به قصد قتل انسان بی گناهی تیری را به طرف او شلیک کرده و اتفاقاً به انسان

بی گناه دیگری اصابت نموده است، چنین جنایتی عمدی محسوب می شود. ایشان ادامه می دهند که چون مرتکب، آگاه و متوجه بوده که اقدام او ممکن است موجب جنایت بر دیگری شود از اینرو، رفتار او آنچنان سزاوار سرزنش است که نمی توان اشتباه او را در هدف گیری و تحقق قتل عمدی به حساب آورد، زیرا آن چه که مرتکب در تعقیب آن بوده، کشته شدن انسانی بوده است که این نتیجه هم حاصل شده است (همان: ۱۹۳). از نظر برخی دیگر، شخصی که با اراده مجرمانه و عمد، تصمیم به قتل انسانی را گرفته و به همین منظور، با تهیه اسلحه مبادرت به تیراندازی هم نموده و در نتیجه، انسانی را هم به قتل رسانده است دارای یک عمد و یک اراده مجرمانه بوده است که یک نتیجه مجرمانه از این عمد حاصل گردیده است؛ بنابراین عمل ارتكابی قتل عمد است و لاغیر (محسنی، ۱۳۹۳: ۲/۲۳۴). شایان ذکر است که یکی از حقوقدانان مصری نیز در خصوص قتل ناشی از اشتباه در شخص چنین بیان می نماید که منظور از خطای در شخص، این است که مجرم، شخص معینی را قصد نماید ولی تیر او به شخص دیگری اصابت نماید (عوده، ۱۴۱۳: ۲/۱۰۴). با این حال، ایشان بر این نظر است که اگر فعل مقصود، حرام مجرمانه باشد (بسان حالتی که هدف فاعل، یک شخص معصوم الدم باشد)، خطای در فعل مؤثر در مسئولیت کیفری جانی نخواهد بود؛ زیرا جانی قصد مجرمانه ایراد فعلی علیه انسانی را داشته است (همان: ۸۹) برخی دیگر بر این نظرند که اشتباه در هدف، عبارت است از این که شخصی حیوان یا شیء را مورد هدف قرار دهد ولی در اثر اشتباه در هدف گیری، به انسان دیگری برخورد نماید (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۶: ۴۵۵). از نظر ایشان، جنایت ناشی از اشتباه در هدف، در صورتی که شخص منظور و شخص نامنظور، هر دو محقون الدم باشند عمدی است (همان: ۴۵۶). حقوقدان دیگری چنین می نویسد: مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اشتباه در هدف وقتی مصداق می یابد که مرتکب، قصد تیراندازی به یک شیء یا حیوان یا انسان مهدور الدمی را دارد ولی تیر او به خطا رفته

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۲۱

و به جای اصابت به هدف، به انسان معصوم الدمی اصابت نموده و باعث جنایت بر او می‌گردد (مرادی، ۱۳۹۶: ۲۶۸). از نظر ایشان، قانونگذار در بحث از اشتباه در نشانه‌گیری، از اشتباهی سخن می‌گوید که در آن، انسان معصوم الدمی به جای شکار مورد نظر مرتکب، کشته می‌شود و نه انسان معصوم الدمی به جای انسان معصوم الدم دیگر. این حقوقدان ادامه می‌دهد که علت قید «شکار» این است که مقنن بر خلاف اسلاف خود و بالأخص ماده ۲۹۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰، جنایت ناشی از اشتباه در تیراندازی را صرفاً در صورتی مشمول عنوان خطای محض می‌داند که هدف مورد نظر مرتکب، غیر انسان باشد؛ زیرا به انسان، شکار اطلاق نمی‌شود؛ لذا جنایت ارتكابی عمدی است و نه غیر عمدی (همان: ۲۷۲). ایشان در بخشی دیگر می‌نویسد: هرگاه مرتکب، قصد کشتن فرد یا افراد معین از یک جمع را داشته باشد ولی تیر او به خطا رفته و به شخص دیگری اصابت کند، جنایت واقع شده به تعبیر مقنن، «جنایت نظیر» محسوب و عمدی تلقی می‌شود (همان: ۱۰۷)؛ این در حالی است که جنایت نظیر، جنایت وارده بر اعضاء نامقصود مجنی^۱ علیه مقصود با نتایج مشابه یا أخف از مقصود مرتکب را شامل می‌شود و جنایت نامقصود واقع شده بر مجنی^۲ علیه نامقصود را در بر نمی‌گیرد (ساریخانی و فضل‌ی، ۱۳۹۸: ۱۹۱). علاوه بر آن، عبارت جنایت نظیر در قانون، به نظیر جنایت معطوف است و ربطی به نظیر قربانی ندارد (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۲۴۳/۲). همچنین نظیر جنایت، ناظر به قصد نتیجه است و ارتباطی به قصد رفتار بر قربانی ندارد؛ در حالی که در اشتباه در هدف، مرتکب فاقد قصد ارتکاب رفتار بر مجنی^۳ علیه است (همان: ۲۴۴). از دیدگاه دکتر آقائی نیا، اگر کسی قصد ایراد جنایت بر فرد معینی را داشته باشد ولی به شخص دیگری که قصد ایراد جنایت بر او را ندارد، اصابت جنایتی وارد شود خطای محض بودن آن منتفی نمی‌باشد (آقائی نیا، ۱۳۹۵: ۳۹۲). ایشان تأکید می‌نمایند که واژه شکار، تنها مفید اثبات فقدان قصد رفتار نسبت به مجنی^۴ علیه است و نافی آن نیست که هدف اولیه مرتکب، انسان باشد (همان: ۳۹۳). برخی نیز قتل ناشی از اشتباه در هدف را جز در موارد علم مرتکب (تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا) و

تقصیر مرتکب (بند پ ماده ۲۹۱ ق.م.ا)، خطای محض می دانند (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۵۴۰). از نظر دکتر میرمحمد صادقی نیز در صورتی که هدف اولیه مرتکب، انسان محقون الدّم باشد ولی تیر به انسان دیگری اصابت نماید جنایت، ماهیتاً خطای محض است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). از دیدگاه برخی دیگر، خطای در شخص، وقتی است که مرتکب در اصابت خطا کند؛ در این صورت، فعل مرتکب ممکن است مشروع یا همراه با قصد مجرمانه باشد. ایشان در ادامه تصریح می نمایند که با توجه به بند الف ماده ۲۹۰ ق.م.ا و نیز ضابطه مذکور در بند پ ماده ۲۹۲ همین قانون، در صورتی که جانی بدون قصد فعل واقع شده بر مجنی علیه و بدون قصد نتیجه، موجب تلف نفس یا عضو دیگری شود جنایت خطای محض است. این ملاک بدون تردید بر موردی که کسی با وجود قصد انسان محترم در اثر خطای در فعل، شخص دیگری غیر از فرد مقصود را بکشد نیز منطبق است (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۷۶-۲۷۹). برخی دیگر، اشتباه یا خطای در اصابت را حالت فردی می دانند که قصد زدن تیر به انسان خاصی را صرفنظر از هویت او دارد ولی تیر او در اثر اصابت به مانع خارجی یا خطای دیگری، به انسان دیگری که در آن حوالی است و اساساً مدّ نظر قاتل نیست اصابت کرده و او را می کشد. از نظر ایشان در اینجا اشتباه موضوعی رخ داده و در نتیجه، قتل عمدی به وقوع نپیوسته است، زیرا قاتل نه قصد انجام فعل بر روی فردی که عملاً کشته شده را داشته و نه قصد سلب حیات او؛ در واقع، در این قسم از اشتباه، رکن روانی قتل عمدی مفقود است و جرم قتل عمدی واقع نمی شود (پوربافرانی، ۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۴۸)؛ بنابراین اشتباه در هدف، ناظر به خطای در مقدمات برخورد رفتار بر قربانی معین است (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۲۲۷/۲). اداره حقوقی قوه قضائیه در این خصوص چنین نظر داده است: ملاک خطای محض، خطای در اصابت است؛ مانند آن که شخص به قصد قتل شخص معینی به وی تیر اندازی نماید و در اثر کمانه کردن تیر

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۲۳
یا فرار آن شخص، تیر به دیگری اصابت نماید و موجب مرگ او شود.^۱ با این حال،
برخی از حقوقدانان، اذعان می‌دارند که مرتکب هم در رفتار خود و هم در قصد خود،
خطا کار است و به همین دلیل، اشتباه در هدف را جز در مواردی که مقصود، شخص
محقون الدم باشد، خطای محض می‌خوانند (الهی منش و مرادی اوجقاز، ۱۳۹۲:
۲۰۹). تردیدی نیست که اگر اشتباه در هدف، غیر از مجانست دو فرد باشد و به تعبیر
دیگر، عدم تجنيس انسانی میان مقصود و نامقصد حاکم گردد علی‌الاصول محصول
(قتل)، عمداً به مرتکب منتسب نمی‌شود مگر در فرض تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا. مصوب
۱۳۹۲. مناقشه اصلی فقه و حقوق، حالتی است که مقصود، فرد معین محترم بوده و
محصول، فرد محترم دیگری بوده باشد (اشتباه در شخص یا فرد).

به نظر ما چالش اصلی در عمدی یا غیر عمدی بودن جنایت ناشی از اشتباه در
شخص، این است که آیا اشتباه در هدف یا شخص، موجب زوال عنصر روانی جنایت
عمدی می‌شود یا خیر؟ با عنایت به ماده ۱۴۴ و بند الف ماده ۲۹۰ و بند پ ماده ۲۹۲
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پاسخ به سؤال مذکور، مثبت است. به تعبیر
برخی از نویسندگان، وجود جهل موضوعی با منتفی کردن عنصر روانی جرم، باعث
غیر مجرمانه بودن رفتار می‌گردد (برهانی و الهام، ۱۳۹۳: ۱/۲۰۰). شایان ذکر است که
با وجود تصریح قانونگذار به علم به موضوع جرم در ماده ۱۴۴ ق.م.ا، بر اساس نظر
برخی از حقوقدانان، قصد یا خواستن موضوع می‌تواند در موارد فقدان علم، جایگزین
علم یا آگاهی به موضوع گردد (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۱/۱۵۸؛ محمدخانی، ۱۳۹۵:
۱/۱۱۶). به سخن دیگر، در صورتی جرم یا جنایت، عمدی محسوب می‌شود که در
گام نخست، مرتکب نسبت به موضوع رفتار، واجد علم و فاقد جهل یا اشتباه باشد. در
هر حال، باید اذعان نمود قتل ناشی از اشتباه در شخص، علی‌القاعده موضوعاً خطای
محض است. بدین توضیح که در مقوله اشتباه در شخص، اساساً مرتکب، قصد رفتار بر
روی مجنی^۲ علیه را نداشته است ولو آن که قصد کشتن انسانی معصوم یا غیر معصوم یا

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۴۶۵۹ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.

حیوانی را داشته باشد. به سخن دیگر، در جنایت خطای محض، طبق نص صریح بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا موضوع قصد بدوی جانی، حائز اهمیت نمی باشد و آن چه اهمیت دارد به تعبیر قانون، قصد جنایت و ایراد فعل بر مجنی علیه است، نه هدف اولیه.^۱ برخلاف نظام حقوقی کامن لا که مبنای قصد اولیه مرتکب بوده و معیار قتل را مشخص می کند. با این حال، کشف قصد بدوی جانی نسبت به یک هدف انسانی معصوم می تواند عدوان و نقض مقررات و نظامات کشور را مبنی بر حفظ دماء انسان های محترم نمایان سازد که این موضوع نیز برخلاف برخی دیدگاه ها در فقه و حقوق ایران نمی تواند از لحاظ روانی، قتل را عمدی سازد، زیرا ساختار عدوان و به تعبیر قانون، تقصیر، ماهیتاً درونی بوده و قتل ماهیتاً خطائی وفق بند پ ماده ۲۹۱ می بایست شبه عمدی تلقی شود مگر در صورت احراز علم به وقوع نتیجه، که در این صورت، قتل ارتكابی نه به دلیل انتقال قصد از یک هدف به هدف دیگر، بلکه به دلیل ارتكاب رفتار نوعاً کشنده با پیش فرض علم طبق بند ب ماده ۲۹۰ و تبصره ماده ۲۹۲ عمدی محسوب می شود.

در پایان باید خاطر نشان ساخت که دیدگاه برخی از نویسندگان ایرانی مبنی بر این که با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قائل شدن یک استثناء بر قاعده خطای محض، آنجا که مرتکب متوجه نتیجه نوعی رفتار خود باشد (تبصره ماده ۲۹۲)، می توان از تجلی و تبلور آموزه های نظریه سوء نیت انتقال یافته در سیاست تقنینی ایران صحبت کرد (قورچی بیگی و نقیعی، ۱۳۹۴: ۱) مطلقاً قابل پذیرش نیست؛ زیرا تبصره یاد شده صرفاً مربوط به جایگزینی علم به وقوع نتیجه مجرمانه در صورت نبود قصد جنایت نسبت به مجنی علیه است که برخی از این علم به عنوان علم به قابلیت رفتار در ایجاد نتیجه نام برده اند (حاجی ده آبادی و حسانی، ۱۴۰۰: ۵۰).

۱. براساس نظر برخی، اگر قاتل، قصد فعل واقع شده بر مقتول را نداشته باشد طبعاً قصد قتل (با قصد نتیجه) او را نداشته است (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶: ۸۳).

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۲۵

۳- اشتباه در شخص در نظام حقوقی کامن لاء

در نظام حقوقی کامن لاء، حکم اشتباه در شخص مبتنی بر نظریه سوء نیت انتقال یافته است. این نظریه تحت عناوین: قصد منتقل شده،^۱ یا عنصر روانی منتقل شده،^۲ یا سوء نیت منتقل شده^۳ در ادبیات حقوقی شناخته می شود که مورد اخیر الذکر در حقوق انگلیس رایج تر است (Sitnik, 2016: 115). سوء نیت انتقال یافته، دکترین جنائی است که تشریح می کند اگر D بخواهد A را بکشد و به طور تصادفی B را بکشد، قصد کشتن از A به B منتقل می شود و بنابراین D در قتل B عامد است (Tomlin, 2021: 1). مع الوصف، در قرون گذشته، دکترین سوء نیت منتقل شده زمانی اعمال می شد که قربانی واقعی و ناخواسته به همان ترتیب و شیوه ای که شخص مورد نظر، قرار بود کشته شود، به قتل می رسید (Horder, 2006: 383). با این حال، شرط یکسانی در شیوه قتل، توسط محققان حقوق جزا در سال های بعد از ابداع این نظریه، کنار گذاشته شد و این تغییر دیدگاه در گزارش چهارم کمیسیون حقوق جزا در سال ۱۸۳۹ میلادی، پیش بینی شد.^۴ در نتیجه، سوء نیت نسبت به قربانی مورد نظر (مقصود) به قربانی واقعی (نامقصود) منتقل می شد که این امر، مانع از آن می شود که متهم از مسئولیت و مجازات جنایت عمدی فرار کند. به تعبیر دیگر، در جنایات، نیت یا قصد اولیه مرتکب، شرایط لازم برای محکومیت عمدی مرتکب قتل شخص غیر منظور را فراهم می سازد (Ehrenreich, 2016: 56). البته، این در صورتی است که جرم مورد نظر و جرم واقع شده، از ماهیت یکسان - و نه یکسانی شیوه - برخوردار باشند؛ در غیر این صورت، سوء نیت قابلیت انتقال ندارد. از نظر یکی از حقوقدانان، در حقوق انگلستان، برای عمدی محسوب کردن موارد خطای در هدف گیری، مجبور به ابداع نظریه یاد شده بوده اند.

1. Transferred Intent

2. Transferred Mens Rea

3. Transferred Malice

4. Criminal Law Commissioners, Fourth Report (1839), Parl. Pap. xix-254.

ایشان تصریح می کنند که مسلماً بدون پذیرش این نظریه، عمدی محسوب کردن نتیجه واقع شده در نتیجه خطای در شخص، حتی در صورت محقون الدم بودن شخص مورد نظر جانی، مشکل بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۷-۱۳۸) لذا، انگلستان و آمریکا، کشورهایی هستند که قتل واقع شده در نتیجه اشتباه در هدف را عمدی می دانند ولی با استدلال هایی که نشان می دهند از نظر آنها قتل واقع شده ماهیثاً عمدی نیست (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۲/۲۳۶). به عبارت دیگر، استفاده از نظریه مزبور و خصوصاً تأکید آن بر انتقال قصد از فرد مورد نظر به مجنی علیه، نشان می دهد که حقوقدانان این کشور ها نیز در عمدی محسوب کردن این قتل، دچار مشکل شده و با نظریه مذکور در پی توجیه آن برآمده اند همان: ۲۳۶)، زیرا اگر قتل یا صدمات ناشی از اشتباه در هدف ماهیثاً عمدی بود، نیازی به استفاده از دکترین مزبور و انتقال قصد نبود و به همین دلیل، حقوقدانان انگلیسی در مورد اشتباه در هویت یا شخصیت، بدون نیاز به استفاده از دکترین نیت انتقال یافته، جرم واقع شده را عمدی می دانند (Allen, 2019: 85-86). در نتیجه، مقوله اشتباه در هویت، از نظریه شر انتقال یافته متمایز است (Sitnik, 2015: 116) در مقابل، رایبسون اعتقاد دارد که در بیشتر قوانین کیفری، تمایزی میان اشتباه در هدف به عنوان یک حادثه یا واقعه تصادفی، و بین اشتباه در هویت وجود ندارد، زیرا اگر آن چه که مرتکب در هر دو مورد (اشتباه در هدف و هویت) تصور می نمود صحیح واقع می شد، قتل عمدی بود (Robinson, 1984: 609).

با وجود این، باید تأکید نمود که نظریه موسوم به سوء نیت انتقال یافته، نظریه ای نوین نبوده و از قرن شانزدهم میلادی مطرح و اجرا شده است (Dressler, 2009: 124) لکن، هیچ حکم قانونی در آن زمان در خصوص این دکترین تنصیص نیافته بود ولی در عمل، مورد استناد قرار می گرفت. به نقل از داگلاس هوساک^۱ فیلسوف، حقوقدان و نویسنده آمریکایی، اولین مرتبه دکترین سوء نیت انتقال یافته در پرونده

1. Douglas N. Husak

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۲۷

انگلیسی رجینا علیه ساندرز و آرچر ۱ در سال ۱۵۷۶ میلادی مطرح شد، به نحوی که قبل از این پرونده، چنین دکترینی مورد استناد قرار نگرفته بود (Husak, 1996: 65-66). در این پرونده، جان ساندرز، سببی را که با آرسنیک مسموم کرده بود به همسرش می دهد. او قصد کشتن وی را داشته است تا با قتل او بتواند با زنی که عاشق اش بوده، ازدواج کند. همسرش مقدار کمی از سیب را استفاده کرده و در نهایت بی آن که بداند سیب مسموم است، آن را به دخترش الینور می دهد. دختر آنها با خوردن سیب کشته می شود. این در حالی بود که جان، خوردن سیب توسط دخترش را مشاهده و مانع او نشد تا همسرش متوجه موضوع نشود. در نهایت، متهم، مسئول قتل عمدی دخترش محسوب شد، زیرا قصد گناهکارانه او برای کشتن همسرش به دخترش منتقل گردید (Crofts, 2015: 37). بر این اساس، از قرن شانزدهم میلادی تا کنون به خوبی در رویه قضایی انگلستان و ایالات متحده آمریکا ثابت شده است که این دکترین در حقوق کیفری به قوت اعمال می شود^۲ به نحوی که جاشوا درسلر در کتاب «درک حقوق کیفری» تصریح می کند که این تئوری، از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد در رویه قضایی ایالات متحده آمریکا گسترش چشمگیری یافته است. در کتاب تاریخچه تاج گذاری پلیس^۳ اثر سر متیو هیل - قاضی انگلیسی قرن هفدهم میلادی - که رساله ای تأثیرگذار در حقوق کیفری انگلستان محسوب می شود و اولین مرتبه پس از مرگ وی در سال ۱۷۳۶ میلادی منتشر شده است، تنصیب گردیده که علت انتقال این سوء نیت از هدف مقصود معین به هدف نامقصود نامعین که مرتکب نسبت بدان هیچگونه سوء نیت و قصد مجرمانه ای نداشته است صرفاً حقوق یا عدالت است. از نظر برخی از حقوقدانان این اشتباه در شخص می تواند ناشی از اشتباه در استفاده از وسیله ارتکاب جرم یا هر دلیل دیگری باشد (Trinchera, 2020: 636). بدیهی است در صورت عدم توسل به این نظریه، اتهام مرتکب نسبت به قتل قربانی ناخواسته، قتل غیر عمدی و نسبت به مخاطب مقصود،

1. Regina v. Saunders & Archer

2. See, State V. Henry, 253 Conn.354, 752 A.2d 40. (2000).

3. The History of the Pleas of the Crown

شروع به قتل خواهد بود. با وجود این که متوسلین به این نظریه، عدالت را به عنوان یکی از مبانی تمسک به این نظریه جهت جلوگیری از فرار قاتلین اعلام می نمایند اما این نظریه به طور قاطع، هیچ مبانی اصولی و چهارچوب حقوقی متقنی برای عامد محسوب نمودن قاتل در موارد اشتباه در هدف ارائه نمی نماید، جز این که سوء نیت یا قصد از گلوله پیروی می کند^۱ یا نیت مجرمانه، رفتار مجرمانه را تا رسیدن به نتیجه و عواقب ناخواسته رفتار تعقیب می کند^۲؛ بنابراین، طرفداران این نظریه در مواجهه با این سؤال که چگونه و چرا سوء نیت یا قصد مرتکب از هدف مقصود به قربانی ناخواسته منتقل می شود، پاسخ منطقی ارائه نمی نمایند؛ لذا قصد انتقال یافته چیزی نیست جز نامی که به یک راز غیر قابل توضیح پیوند خورده است (Husak, 1996: 67). ویلیام پروسر نیز این دکتترین را به عنوان «افسانه ای پوچ در قلب مدعیان قرون وسطایی» توصیف نموده است (Prosser, 1967: 650) اما با وجود این، دکتترین مذکور به طور جهانی دنبال می شود (Westen, 2013: 325) این سخن با توجه به رویه قضایی ایالات متحده آمریکا و انگلستان و پرونده های مطروحه در دادگاه های تجدیدنظر، مطابق با واقع است.^۳ هوساک نیز بر توجیه غیر کاربردی بودن نظریه شر انتقال یافته نه تنها در مواردی که مرتکب هیچ قصدی برای کشتن شخصی که واقعاً کشته است، نداشته، بلکه نسبت مواردی که شخص، قصد کشتن دارد لکن در زمان اراده رفتار، ذهنیت وی به هدف دیگر تعلق داشته، تأکید می کند. وی مثالی را مطرح می کند: فرض کنید که آرتور قصد کشتن دو قربانی را دارد. او وقتی هر دو قربانی مورد نظرش را در نزدیکی اش رؤیت می کند از شانس خوب خود متعجب می شود. او با دقت هر کدام را نشانه می گیرد و به سرعت دو گلوله شلیک می کند. هر دو قربانی می میرند. کالبد شکافی بعد

1. See, *People v. Matthews*, 154 Cal. Rptr. 628, 631 (Ct. App. 1979)

2. See, *State v. Batson*, 96 S.W.2d 384, 389 (Mo.1936)

3. See, *People v. Curiel*, Court of Appeals of California, Fifth District. (No. F081143). Filed April 20, (2022). See, *Miles v. State*, Court of Appeals of Georgia, Third Division. (A21A1378). Decided: January 18, (2022).

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۲۹

از قتل نشان می‌دهد که گلوله‌ای که او به سمت قربانی اول شلیک کرده است، به قربانی دوم اصابت کرده و به جای آن، قربانی دوم کشته شده است و گلوله‌ای که او به سمت قربانی دوم شلیک کرده است، به اولین قربانی مورد نظر اصابت کرده و کشته شده است. استدلال مربوط به وجوب قصد انتقال یافته که به وسیله برخی از حقوقدانان مورد تردید بوده در این مسأله، مورد دفاع قرار گرفته است. مشکل، شناسایی فردی است که آرتور عمداً او را کشته است که چنین شخصی وجود ندارد. عملکرد آرتور به منزله قتل عمد نبوده است؛ بنابراین باید آرتور را از هر دو قتل بی‌گناه بدانیم. هرچند که این نتیجه از نظر اجتماعی راضی‌کننده نباشد (Husak, 1996: 70) به نظر او با وجود موافقت برخی از مخالفین نظریه شرّ انتقال یافته در موارد اخیر، هرگز نمی‌توان با تئوری سوء نیت انتقال یافته، آرتور را قاتل عمدی شناخت؛ زیرا هرچند آرتور قصد کشتن شخصی را داشته که واقعاً او را کشته است، حتی در صورتی که اعمالی که او برای کشتن این فرد انجام داده است به قصد کشتن فرد دیگری انجام شده باشد که او قصد داشته است او را نیز بکشد، لکن در زمان شلیک گلوله به یک قربانی، ذهنیت (عنصر روانی) به قربانی دیگری تعلق داشته است.^۱ جاشوا درسلر رویکرد استتاجی مخالفان نظریه شرّ انتقال یافته را در عمدی بودن جنایات، تأیید می‌کند. وی اظهار می‌کند: نظریه قصد انتقال یافته غیر ضروری است و به صورت بالقوه گمراه‌کننده است. در مورد اشتباه در هدف، نیازی به انتقال قصد مرتکب برای کشتن شخص منظور به شخص غیر منظور نیست. فاعل، بدون این نظریه، قصد لازم را دارد، زیرا آسیب اجتماعی - امنیتی قتل، «کشتن انسان به دست انسان دیگر» است (Dressler, 2015: 125) بنابراین، قصد

1. See, *People V. Birreuta*, 162 Cal.App.3d 454, 208 Cal.Rptr.635. 1984.

دادگاه عالی کالیفرنیا، با این استدلال که کارکرد دکترین سوء نیت انتقال یافته، اطمینان از تحمیل مجازات مناسب بر کسانی است که تصادفاً عابر بی‌گناهی را می‌کشند و در قتل قربانی مورد نظر خود شکست می‌خورند، رأی داد؛ این دکترین در جایی که هم قربانی مورد نظر و هم عابر کشته می‌شوند، قابل اجرا نیست. در جهت مقابل نگاه کنید به:

Poe V. State, 341 Md. 523, 671 A.2d501. 1996. (واین آر لفیو، ۱۳۹۰: ۳۹).

لازم، قصد کشتن یک انسان است، نه یک انسان خاص. در مورد اشتباه در هدف، مرتکب، قصد کشتن یک انسان را دارد و در حقیقت یک انسان را کشته است و در این موارد، رویکرد به قصد یک رویکرد بی شخصیتی یا بی هویتی است (Simester, 174: 2016, Sullivan). برخی از حقوقدانان به درستی بر این اعتقاد هستند که ما نیازمند قصد خاص (قصد شیء خاص) هستیم، نه قصد نوع خاص (Ashworth, 78: 1978). از طرفی نکته حائز اهمیت این است که در موارد اشتباه در هدف، اصالتاً اشتباه یا باور نادرستی از هدف، قابل تصور نیست؛ زیرا شخص به آن هدف ذهنیتی نداشته است که بخواهد اکنون در تصورات ذهنی خود، اشتباهی رخ دهد؛ بنابراین در موارد اشتباه در هدف که به مسامحه اشتباه خوانده می شود، تصادف و حادثه ای غیر قابل پیش بینی موردنظر است. به قول جورج فلچر، حوادث یا امور تصادفی در حوزه رابطه علیت رخ می دهند و نیازی به باور یا تصور نادرست ندارند (Fletcher, 1978: 487). طرفداران نظریه شر انتقال یافته در مواقع اشتباه در هدف و اصابت گلوله به شخصی که مقصود قاتل نبوده است، مرتکب را در معرض دو اتهام قرار می دهند: ۱- اتهام قتل عمد شخص نامقصود به دلیل انتقال قصد،^۱ ۲- اتهام شروع به قتل شخص مقصود به دلیل تعلق قصد ابتدایی بدان.^۲ این در حالی است که صرفاً مرتکب دارای

۱. لذا در پرونده (People V. Scott) دادگاه عالی کالیفرنیا، نتیجه گیری کرد که استفاده از قصد انتقال یافته برای محکومیت متهم به شروع به قتل عمدی شخص منظور و همچنین قتل عمدی شخص مجنی علیه (غیر منظور) که عملاً کشته شده است، مجاز است.

۲. در برخی از نظام های حقوقی مانند نظام حقوقی آلمان یا اسپانیا، که قصد انتقال یافته در آن نظام ها وجود ندارد رویه قضایی در موارد اشتباه در هدف، مرتکب را نسبت به هدف موردنظر به شروع به جرم یا تلاش برای ارتکاب جرم و نسبت به هدف واقعی (در صورت لزوم) به جنایت ناشی از سهل انگاری محکوم می نماید. نگاه کنید به :

CLAUS ROXIN, STRAFRECHT ALLGEMEINER TEIL. BAND I:
GRUNDLAGEN. DER AUFBAU DER VERBRECHENSLEHRE 517-
18 (4th ed. 2006)

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۳۱

یک قصد بوده و یک عمل انجام داده است که می تواند با سبق تصمیم نیز باشد. پس چگونه می تواند با یک قصد و یک عمل، دو جرم عمدی و دو مجازات را به مرتکب انتساب داد؟ اگر متهم، یک عمل عمدی را انجام دهد قصد و نیت وی باید به جای انتقال دو مرتبه، تکرار شود تا بتوان وی را برای بیش از یک عمل مجرمانه متهم دانست. یکی از اندیشمندان، با وجود پذیرش قتل عمدی در موارد اشتباه در هدف انسانی، اما در جهت مخالفت با نظریه شر انتقال یافته اذعان می نماید: قصد مرتکب، به قربانی خواسته تعلق داشته و این امکان وجود ندارد که قصدی که او در صدد عملی کردن آن بوده به شخص قربانی ناخواسته انتقال یابد که ذهنیتی بدان تعلق نداشته و در مخیلات او نبوده است. با این حال، گلانوئل ویلیامز، دیدگاهی دارد که با قانونگذار ما علی الخصوص تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا. تا حدودی نزدیک است. به گفته او، نظریه قصد انتقال یافته را باید به مواردی محدود نمائیم که «در آن قتل، ناشی از سهل انگاری مرتکب در رابطه با قربانی بوده است». با عنایت به این که در قانون انگلستان و آمریکا، بی پروایی و بی تفاوتی در قتل می تواند مرتکب را در دامنه عمد قرار دهد تمایز دیدگاه او با قانون ایران در این است که عمد مرتکب ناشی از علم و آگاهی او به در دسترس بودن قربانی ناخواسته است؛ در حالی که بر اساس دیدگاه ویلیامز، بی پروایی در قالب پیش بینی و چشم پوشی که در نظام حقوقی ایران، تقصیر جزائی محسوب می شود، برای عمد کفایت می کند. با وجود این، نظر هوساک با نظر قانونگذار ما تطابق کامل دارد. وی بیان می کند: در جایی که شخصی به نام اسمیت قصد قتل یک سیاه پوست را داشته، اما شخص، اشتهاً دیگری که سفید پوست بوده است را به قتل می رساند، قتل واقع شده با تئوری غیر قابل توجیه سوء نیت انتقال یافته، عمدی نخواهد بود مگر این که فرد سفیدپوست به وضوح برای اسمیت قابل مشاهده بوده و علم بدان تعلق داشته باشد. این ویژگی به تعیین سطح مقصر بودن اسمیت در رابطه با قربانی ناخواسته اش کمک می کند به نحوی که اسمیت با وجود آگاهی از حضور قربانی واقعی (سفید پوست)، نسبت به مرگ او بی پروا بوده باشد. اسمیت از این مسأله، آگاه و عالم بوده

است که عمل او ممکن است به جای سیاه پوست یا علاوه بر فرد سیاه پوست، فرد سفید پوست را نیز به قتل رساند (80: 1996: Husak)؛ بدین ترتیب، برخی حقوقدانان آمریکائی به درستی اعلام نموده اند که نظریه شرّ انتقال یافته، قواعد مدرن حاکم بر عنصر روانی جرم، از جمله اصل تقصیر (به معنای اعم: عمد یا سهل انگاری) را نقض نموده یا حداقل در تنش با آن است (58: 2016: Ehrenreich) زیرا رکن روانی جرم، ادّعا می نماید که گناه ذهنی در هر موردی باید به اثبات برسد؛ بنابراین عده ای از حقوقدانان معتقدند که نظریه سوء نیت منتقل شده، به دلیل عدم رعایت وضعیت ذهنی مرتکب باید لغو شود (77: 1978: Ashworth)؛ همچنین برخی با تأکید بر ذهنیت مرتکب، مسئولیت قتل برای موارد حادثه صرف را از نظر اخلاقی قابل توجیه ندانستند (501: 1997: Dillof) زیرا امروزه مسلم است که مسئولیت کیفری محض یا بدون تقصیر، یعنی مسئولیت کیفری بدون اثبات عمد (قصد یا علم) و سهل انگاری، ناقض اصل تقصیر یا مجرمیت است (188: 2016: Ashworth)؛ بنابراین لازم است قاعده قصد منتقل شده را به گونه ای تفسیر نمود که گویی مستلزم تقصیر است (Williams, 132: 1961)، لذا برخی معتقدند در موارد اشتباه در هدف، در صورتی که قربانی به صورت متعارف قابل پیش بینی و در محدوده هدف نباشد در این صورت، مرتکب صرفاً از بابت تلاش یا شروع برای قتل شخص منظور، دارای مسئولیت کیفری است (643: 2020: Trinchera). جرمی کریستین نیکلاس هوردر،^۱ رئیس اسبق دانشکده حقوق آکسفورد، برای محدود سازی بهره گیری از دکترین سوء نیت منتقل شده، به دکترینی تحت عنوان «دکترین دوری»^۲ متوسّل شده است تا بتواند دکترین سوء نیت منتقل شده را از یک دکترین خود به خودی، به دکترینی در شرایط خاصّ تعدیل نماید؛ به نظر وی، عنصر خطا (به معنای عمد یا تقصیر جزائی) برای یک جرم را نمی توان به عنصر خطا برای جرم دیگر منتقل نمود مگر این که نتیجه به قصد، نزدیک باشد. به تعبیر

1. Jeremy Christine Nicholas Horder
2. Remoteness Doctrines

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۳۳ دیگر، دور بودن نتیجه از قصد قاتل، بر انصاف، عدالت و برچسب زنی عنوان قاتل عمدی تأثیر می‌گذارد؛ هرچه درجه دوری نتیجه از قصد، بیشتر باشد این ادعا که قاتل، عامد محسوب می‌شود ضعیف تر است (Horder, 2006: 387). به نظر هرچند این تنوری، در جهت کاهش توسعه نظریه شر انتقال یافته مؤثر است لکن ملاک دور یا نزدیک بودن یک نتیجه به قصد، مبهم است.

در هر حال، با توجه به مطالب پیش گفته باید اذعان نمود که براساس رویه قضایی محاکم انگلستان و ایالات متحده آمریکا، حکم اشتباه در شخص، عمدی است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب پیش گفته مختصراً می‌توان اذعان داشت:

۱- در رویه قضایی دادگاه های نظام حقوقی کامن لاء، در صورتی که مرتکب، قصد کشتن شخص معینی را داشته باشد (قصد هدف دار جزئی) لکن به دلیل خطای مادی، شخص دیگری را به قتل رساند، حکم قتل ارتكابی براساس نظریه سوء نیت انتقال یافته، ماهیتاً عمدی محسوب می‌شود. به واقع در این نظام، اگر کسی قصد قتل انسانی را داشته و برای رسیدن به این قصد تلاش نماید گویی قصد نموده تمام انسان ها را به قتل رساند و در عمل، اگر انسانی کشته شود مورد نظر بودن یا نبودن آن نسبت به قاتل اهمیتی ندارد. بدین ترتیب، رکن روانی قتل عمدی، «قصد مستقیم یا درجه یک» تلقی می‌شود.

۲- برخلاف نظام حقوقی کامن لاء، در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران مستند به ماده ۱۴۴، بند (الف) ماده ۲۹۰ و بند (پ) ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی، قتل واقع شده ماهیتاً خطای محض خواهد بود، مگر این که یا مرتکب طبق بند (پ) ماده ۲۹۱ ق.م.ا مقصّر شناخته شود که غالباً اینگونه است و در این صورت، جنایت (در حکم) شبه عمد خواهد بود، یا استثنائاً مرتکب علم به کشته شدن شخص نامقصود داشته باشد که در این فرض، مستند به فراز پایانی ماده ۱۴۴، بند (ب) ماده ۲۹۰ و تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی که دارای منشأ فقهی می‌باشد تحت عنوان علم به رفتار نوعاً

کشنده نامقصود، یا علم به قابلیت رفتار کشنده، عمدی محسوب خواهد شد. بدین ترتیب، در مورد اخیر، رکن روانی قتل عمدی، «قصد غیر مستقیم یا درجه دو» تلقی می شود.

لذا، استناد برخی از حقوقدانان به بند (ت) ماده ۲۹۰ ق.م.ا. در خصوص عمدی محسوب شدن قتل ناشی از اشتباه در شخص از طریق قصد مستقیم و هماهنگ شدن با حکم و مبنای نظریه سوء نیت انتقال یافته، قابل پذیرش نیست. همچنین استناد برخی دیگر از حقوقدانان به عنوان جنایت نظیر در بند های ماده ۲۹۰ در خصوص عمدی محسوب شدن جنایت ناشی از اشتباه در شخص از طریق قصد مستقیم در نتیجه همسو شدن با نظریه سوء نیت منتقل شده، قابل پذیرش نیست؛ زیرا منظور از جنایت نظیر، قربانی نظیر نیست بلکه منظور، جنایت نامقصود بر شخص مقصود است. مضاف بر این، در صورتی که مرتکب قصد کشتن شخص معینی را نداشته باشد بلکه قصد کشتن نوع انسان را داشته باشد (قصد هدف دار کلی) و در عمل نیز انسانی کشته شود، مستند به بند (ت) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی قتل عمدی است؛ چون جزء در کل تبلور داشته و اساساً نیازی به توسل به نظریه سوء نیت انتقال یافته نیست. در پایان، این ادعا که نظریه سوء نیت انتقال یافته با پیش بینی تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا. در نظام حقوقی ایران تجلی یافته است، قابل پذیرش نیست؛ زیرا تبصره یاد شده در خصوص علم (قصد غیر مستقیم) و توجه به نتیجه رفتار مجرمانه در مقوله اشتباه در هدف می باشد که با قصد منتقل شده در نظریه شر انتقال یافته (قصد مستقیم) متفاوت است.

منابع

- آقائی جنت مکان، حسین (۱۳۹۷)، **حقوق کیفری عمومی**، ج ۲، چ ۵، تهران: جنگل.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۰۲ق)، **أصل الشیعه و أصولها**، چ ۴، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۷۰)، **این است آئین ما**، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: مطبوعاتی هدف.
- اراکی (آیه الله)، محمدعلی (۱۳۷۳)، **رساله استفتائات**، قم: معارف.

حکم قتل ناشی از اشتباه در شخص در فقه، قانون مجازات اسلامی و نظام حقوقی کامن لاء ۱۳۵

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۲، چ ۳۰، تهران: میزان.
- الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن (۱۳۹۲)، **جرایم علیه اشخاص**، تهران: مجلد.
- برهانی، محسن؛ الهام، غلامحسین (۱۳۹۵)، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی**، ج ۱، چ ۲، تهران: میزان.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۷)، **مجرم و مسئولیت کیفری**، تهران: جنگل.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، ج ۱۰، قم: داوری.
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۶)، **جرایم علیه اشخاص**، تهران: میزان.
- حاجی ده آبادی، احمد؛ حسانی، یعقوب (۱۴۰۰)، **علم (به وقوع نتیجه یا به قابلیت فعل در ایجاد نتیجه) در تشکیل سوء نیت خاص**، حقوق اسلامی، ۶۸، ۳۷-۶۰.
- حسینی شیرازی، سیدمحمد (بی تا)، **الفقه (کتاب القصاص)**، قم: دار القرآن الکریم.
- حسینی عاملی، محمدجواد (بی تا)، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، ج ۱۱ و ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **قواعد الاحکام**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۸۷)، **تحریر الوسیله**، ج ۴، چ ۲، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دار العلم.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، **مبانی تکمله المنهاج**، ج ۴۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دلیر، حمید (۱۳۷۱)، **بحثی پیرامون ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی**، مجله حقوقی دادگستری، ۵، ۱۰۹-۱۲۴.
- ساریخانی، عادل؛ فضلی، مهدی (۱۳۹۸)، **جنایت نظیر و اشتباه در جنایت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**، نشریه پژوهش حقوق کیفری، ۲۶، ۱۹۱-۲۲۶.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۴)، **جرایم علیه اشخاص**، چ ۲۱، تهران: میزان.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، **اللمعه الدمشقیه**، بیروت: دار التراث و الدار الاسلامیه.
- عبدالله بن مودود حنفی (۱۹۸۰م)، **الاختیار لتعلیل المحتار**، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲)، **حقوق جنائی**، ج ۱، چ ۵، تهران: فردوسی.

- عوده، عبدالقادر (۱۴۱۳ق)، **التشريع الجنائي الاسلامي مقارنا بالقانون الوضعي**، ج ۲، ج ۱۲، بيروت: مؤسسه الرساله.
- قپانچی، حسام (۱۳۸۳)، **خطا در قربانی جنایت**، مجله حقوقی دادگستری، ۴۶، ۷۷-۹۷.
- قورچی بیگی، مجید؛ نقیبی، سید محمدرضا (۱۳۹۴)، **نظریه سوء نیت انتقال یافته در حقوق انگلستان و تطبیق آن با حقوق ایران**، فصلنامه قضاوت، ۸۴، ۱-۲۴.
- کلاتری، کیومرث؛ شیرزادی فر، فرشاد (۱۳۹۳)، **قتل ناشی از شبهه در هدف با نگاهی به قانون مجازات**، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۳۵، ۷۹-۹۶.
- المیر، محمود؛ حسینی، سید عبدالرحیم؛ حاتمی، محمود (۱۳۹۹)، **بررسی ملاک های قتل خطای محض در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران**، پژوهش های فقهی، ۱، ۵۳-۷۹.
- محسنی، مرتضی (۱۳۹۳)، **پدیده جنایی**، ج ۲، چ ۴، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- محمد خانی، عباس (۱۴۰۰)، **تفسیر تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی در پرتو نظریه سوء نیت غیر مستقیم**، پژوهش نامه حقوق کیفری، ۱، ۱۷۵-۱۹۲.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۵)، **عنصر روانی جرم**، ج ۱، تهران: میزان.
- محمدخانی، عباس (۱۳۹۷)، **عنصر روانی جرم**، ج ۲، تهران: میزان.
- مرادی، حسن (۱۳۹۶)، **جرایم علیه اشخاص**، تهران: میزان.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسین (۱۳۷۳)، **دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام**، ج ۱، تهران: میزان.
- مسجدرائی، حمید (۱۳۹۲)، **بازپژوهشی ادله مانعیت قتل خطائی از ارث**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۹، ۱۳۷-۱۶۰.
- مسعودی، یوسف (۱۳۷۸)، **شبهه در قتل**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۶۵)، **قتل عمد، شبه عمد و خطای محض**، فصلنامه حق، ۵، ۳۷-۵۵.
- مفید(شیخ)، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۰ق)، **المقنعه**، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، **جرایم علیه اشخاص**، چ ۱۹، تهران: میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۰)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۱، تهران: دادگستر.
- وان آر لفیو (۱۳۹۰)، **عنصر معنوی در نظام ایالات متحده آمریکا**، ترجمه: فاطمه موسوی خوشدل، تهران: میزان.

- Allen, Michael, Edwards, Ian (2019) **Criminal Law**, England, Oxford University press.

- Andrew, Ashworth (2016) **Principles of Criminal Law**, England, Oxford University press.
- Andrew, Ashworth (1987) **Transferred Malice and Punishment for Unforeseen Consequences**, in **Reshaping The criminal Law**.
- Andrew p. Simester et Al., simester and sullivan (2016) **criminal law**, Theory and doctrine, England, Hart Publishing.
- Bohlander, Michael (2010) "**Transferred malice and transferred defences: a critique of the traditional doctrine and arguments for a change in paradigm.**", *New criminal law review.*, 13 (3). pp. 555-624
- Bohlander, Michael (2016) **General Defences in Criminal Law**, London, Ashgate.
- Crofts, penny (2015) **The Identic Turn: The Culpability of Accessories and Perpetrators**, *Law in Context*, pp.37-59
- Dillof, M. Anthony (1998) **Transferred Intent: An Inquiry Into the Nature of Criminal Culpability**, *Buffalo Criminal Law Review*, pp. 501-536
- Dine, Janet, Gobert, James, William, Wilson (2010) **Case & Materials on Criminal Law**, London, Oxford University Press.
- Dressler, Joshua(2015) **Understanding Criminal Law**, United States, Carolina Academic Press.
- Elliott, Catherine, Quinn, Frances (2000) **Criminal Law**, England, Pearson Education.
- Ehrenreich, Nancy (2016) **Attempt, Merger, and Transferred Intent**, *U Denver Legal Studies Research*, pp. 1-37
- Fletcher, George (1978) **Rethinking Criminal Law**, *California Law Review*, Vol. 68, pp. 181-201
- Forell, Caroline (2010) **What's Reasonable?: Self-Defense and Mistake in Criminal and Tort Law**, *Lewis & Clark Law Review*, Vol. 14, pp. 1401-1434.
- Horder, Jeremy (2006) **Transferred Malice and the remoteness of unexpected outcomes from intentions**, *Criminal Law Review*, pp. 179-196
- Hunt, Martin (2000) **A Level and As Level Law**, London, Sweet & Maxwell.
- Husak, N. Douglas (1996) **Transferred Intent**, 10 *Notre Dame J.L. Ethics & Pub. Pol'y* 65-97
- Johnson, Vincent (2004) **Transferred Intent in American Tort Law**, 87 *Marq. L. Rev.* pp. 903-938
- J. C. Smith, K. Laird, D. Ormerod, B. Hogan (2015) **Criminal Law**, Oxford University Press.
- Pradel, Jean (2004) **Droit Pénal Général**, Paris, CUJAS.
- Prosser, William (1967) **Transferred Intent**, 45 *T EX. L. REV.* 650

- Sitnik, Piotr, theoretical underpinnings of the doctrine of **Transferred Malice**, STUDIA IURIDICA LXVII, pp. 115-129
- Tomlin, Patrick (2021) Accidentally killing on purpose: **Transferred Malice** and missing victims, Law and Philosophy volume 41, pp. 329–350
- Trinchera, Tommaso (2020) **Transferred Intent** in Italian **Criminal Law** : sentencing rule for multiple offense scenarios, New Criminal Law Review, pp. 636-654
- Westen, Peter (2013) The Significance of **Transferred Intent**, Criminal Law and Philosophy, vol. 7, pp. 321-50
- Williams, *Glanville*(1961) **Criminal Law : The General Part**, The Cambridge Law Journal , Volume 19, pp. 142 - 144
- <https://www.neshast.org>

